

رضا اسماعیلی، شاعر و منتقد ادبی در روز شعر و ادبیات آیینی از اهمیت «موضوع دینی» بیش و پیش از «موضوع دینی» در شعر می‌گوید

رنسانس شعر آیینی در کف خیابان



انفعال بیرون آورد و به اثبات رساند که شعر آیینی پدیده‌ای است که برای مانایی نیاز به «روزآمدی» دارد. من یقین دارم که این آثار در ذهن و زبان مردم روزگار ما ماندگار خواهد شد.

برخی معتقدند در روزهای جنگ، مردم بیش از تحلیل‌های سیاسی با نمادها و مفاهیم فرهنگی و اعتقادی ارتباط برقرار کردند. سهم شعر آیینی در این فرایند چه بود؟

از زمان آغاز جنگ ۱۲ روزه و جنگ رمضان تا امروز، توسط شاعران جوان، شاهد خلق و آفرینش آثاری در قالب شعر، سرود، نوحه و... بوده‌ایم که بشارت‌دهنده آغاز عصری باشکوه و امیدبخش در ادبیات و هنر و ادبیات در جامعه‌هاست. در این میان، نقش شعر و شاعران آیینی در این عرصه، بی‌هیچ اغراقی بیش از دیگران بوده است. این امتیازی است که سبب سبقت شعر در پرداختن به حوادث سیاسی، اجتماعی و همصدایی با مردم می‌شود. البته سهم دیگر هنرها را هم نباید نادیده گرفت، به‌خصوص هنرهای نمایشی را.

شعر آیینی چگونه می‌تواند میان هویت دینی و هویت ملی پیوند ایجاد کند؟

رهبر شهید انقلاب آغازکننده این موج امیدبخش در عرصه شعر و ادبیات آیینی ما بودند. آنجا که خطاب به محمود کربمی فرمودند: «ای ایران بخوان». این توصیه، یعنی ذاکران و مداحان اهل بیت(ع) نباید در شعرها و نوحه‌هایی که انتخاب می‌کنند، هویت ملی ما را نادیده بگیرند. در طول جنگ رمضان، این نوحه ملی - حماسی - که ابتدا در جنگ رمضان خوانده شد - بارها و بارها توسط مردم زمزمه و به اثری ماندگار تبدیل شد. پیوند میان هویت ملی و دینی و بهره‌گیری هوشمندانه و هنرمندانه از شاهنامه فردوسی می‌تواند بالندگی و باروری این شجره طیبه را تضمین کند و روند «پیرسالی» آن را به تأخیر اندازد. کاش فردوسی که عیار و اعتبار نظم بلند پارسی و بزرگ پرچم‌دار عرصه شعر

رسالت ما به عنوان شاعران آیینی این است که همچون دعبل، کمیت و فرزدق به افق‌های جامع‌تری از حوزه دین و معرفت بنگریم و به تبیین سیره عملی خاندان رسالت بپردازیم. شعر آیینی باید آیینه تمام‌نمای معارف حقه قرآنی و حقایق انسان‌ساز توحیدی باشد. امروز رسالتی بالاتر از این برای ما شاعران آیینی متصور نیست که با تعمق و تدبیر در سیرت و باطن دین، به تبیین سیره عملی خاندان رسالت و آموزه‌های انسان‌ساز قرآنی و وحیانی بپردازیم و ساحت مقدس دین و آیین را از گزند بدعت و تحریف و آلوده شدن به آفات خرافه و گرافه حفظ کنیم.

آیا شعر آیینی معاصر بیش از حد به مداحی نزدیک شده و از استقلال ادبی خود فاصله گرفته است؟

شعر آیینی، اضلاع سه‌گانه‌ای دارد که برای ارتقای دایره نفوذ و تأثیرگذاری آن، باید با دغدغه‌مندی و دقت نظر علمی و دینی مورد بازنشاسی پژوهشگران و پیشکسوتان این عرصه قرار گیرد. این اضلاع سه‌گانه عبارت‌اند از: «شاعر، ذاکر و مخاطب».

در حوزه شعر دینی و آیینی، شاعر که رسالت «تولید محتوا» را به دوش می‌کشد، باید جلودار و پرجمع‌دار باشد. همچنان که در تاریخ هزار و ۲۰۰ ساله ادبیات فارسی بزرگانی چون فردوسی، ناصر خسرو، سنایی، عطار، مولوی، سعدی، حافظ، اقبال و... همراه در این عرصه طلایه‌دار و پیشتاز بوده‌اند.

امروز شوربختانه در حوزه تولید شعر دینی و آیینی شاهد چرخه وارونه و معیوبی هستیم. به این معنا که شاعران در عرصه خلق و آفرینش ادبی در برابر مداحان و مداحان در برابر مخاطبان دچار انفعال شده‌اند. یعنی به جای آنکه شاعر با معرفی شعر خوب و فاخر ذوق مداح را بالا ببرد، مداح با سفارش شعر نازل ذوق و سلیقه شاعر را پایین می‌آورد! به جای آنکه مداح برای گرفتن شعر خوب به شاعر مراجعه کند، شاعر به سفارش مداح شعر کوچک‌بازاری می‌گوید تا شعرش توسط مداح خوانده شود! و این یعنی چرخه معیوب. مخاطب هوشمند نیز باید سطح مطالبات خود از شعر آیینی را ارتقا دهد و مؤاخذه‌گر باشد تا شاعر و مداح شعرهای خوش‌مضمون و فاخرتری را برای این جلسات انتخاب کنند.

شعر آیینی زمانی موفق است که مردم را متأثر کند یا زمانی که بتواند مردم را به تفکر وادارد؟

شعر آیینی باید تلفیقی هنرمندانه و آمیزه‌ای متعادل از «احساس» و «اندیشه» باشد. شاعر آیینی اصیل کسی است که میان «احساس» و «اندیشه» پل بزند تا مخاطب خویش را به سرمنزل سعادت و رستگاری برساند. تحریک احساسات به تنهایی، شعر آیینی را تک‌بُعدی می‌کند. یکی از ارکان شعر اصیل آیینی «اندیشه‌ورزی» است که از ترکیب «تعبد»، «تعقل»، «محبت» و «معرفت»

حاصل می‌شود. شعر آیینی ما باید آیینه بی‌غبار معرفت دینی و رسانه‌ای برای معرفی گوهر و جوهر دین و افقی برای تماشای سیمای انسان کامل باشد، انسانی که از رهگذر یکتاپرستی و بندگی به کمال می‌رسد. از منظر اسلام، شعر فاخر پرتوی از شعور نبوت است و تنها به زبان آوری، صنعت‌گری، خیال‌پردازی و ارزش‌های هنری و احساسی محدود نمی‌شود، بلکه راهنمای مخاطبان خود به صراط مستقیم راستی و درستی، بیداری و رستگاری، توحید، عبودیت و اخلاق اسلامی است.

منزल صورت و ظاهر دین است - یعنی مدح و منقبت صرف - و «موضوع» پرداختن به درونه، سیرت و حقیقت دین، یعنی بیان معارف و حقایق دینی و توحیدی. جان‌مایه شعر آیینی اصیل و فاخر «موضوع‌مندی» آن است، نه «موضوع‌بندی» آن. یعنی ایستادن شاعر در جبهه «حق» و حق‌مداری و برائت از ظلم و باطل و زشتی و پلشتی. چیزی که در دو جنگ تحمیلی اخیر شاهد آن بودیم. از این منظر و برخلاف آنچه می‌پنداریم، حضرت لسان‌الغیب حافظ شیرازی آیینی‌ترین شاعر تاریخ ادبیات ماست؛ چرا که در همه سروده‌های خود موضوع مسلمانی و ایمانی دارد.

بزرگ‌ترین آسیب شعر آیینی امروز چیست؛ کلیشه، شعارزدگی یا تکرار؟

«مناسبتی شدن» یکی از بزرگ‌ترین آفات شعر آیینی روزگار ماست. مادر شعر آیینی نیاز به «هوای تازه» داریم. باید دایره مخاطبان شعر آیینی را گسترش دهیم تا گستره تأثیرگذاری این گونه ادبی بیشتر شود. امروز زمان آن رسیده است که بایستیم و با کمی تأمل و مکث از خودمان بپرسیم «به راستی تا کی باید در این منزل متوقف بمانیم و حرف‌های تکراری بزنیم؟!». باور کنید این دور و تسلسل ما را به جایی نمی‌رساند. برای برآمدن و اوج گرفتن «شعر آیینی» باید از پیله رخوت و عادت بیرون بزنیم و «طرحی نو» دراندازیم. امروز

حماسی است در میان ما بود و با چشمان پرفروغ خویش می‌دید که قهرمانان اسطوره‌ای شاهنامه، امروز به عنوان اسوه‌هایی باورپذیر و انسانی، در کالبد ملت ایران تجسم عینی یافته‌اند و شب‌ها در میدان‌ها و خیابان‌های ایران زمین و در زیر باران موشک، با مشتش‌های گره‌گرفته رجزخوانی می‌کنند و حماسه می‌آفرینند. قهرمانانی که پشت ترس را به خاک مالیده و کمر «تفرقه» را شکسته‌اند. دلیرمردانی از تبار رستم و آرش و سیاوش و شیرزنانی از نسل گردآفرید، رودابه و فرنگیس که برای پاسداری از «ایران جان» بر قاف خوف و خطر ایستاده‌اند و عاشقانه سرود خاطره‌انگیز «ای ایران، ای مرز پرگهر» را با نای جان در گوش زمین و زمان زمزمه می‌کنند.

چرا شعر آیینی در رسانه‌ها اغلب به ماه محرم، رمضان یا مناسبت‌های مذهبی محدود می‌شود؟ آیا خود شاعران آیینی هم ناخوسته به این مناسبتی شدن دامن زده‌اند؟

«مناسبتی شدن» و «جشنواره‌زدگی» یکی از بزرگ‌ترین آفات شعر آیینی روزگار ماست. علت مناسبتی شدن شعر آیینی این است که بسیاری از ما فراموش کرده‌ایم که خواهان و مشتری اصلی شعر آیینی، خدا و خاندان رسالت‌اند و پیش و بیش از هر کس، تأیید و رضایت آنان باید مورد توجه شاعر باشد.

برای بیرون زدن از دایره «مناسبت‌زدگی»، باید به این نکته محوری توجه کنیم که شعر آیینی الزاماً نباید موضوع دینی داشته و در ستایش بزرگان دینی و مناسبت‌های مذهبی سروده شده باشد، بلکه پیش‌تر و بیشتر از موضوع دینی، باید «موضوع» دینی داشته باشد. «موضوع» توقف در

یادبود

بازنشر گفت‌وگوی قدس با زنده‌یاد بهروز رضوی به مناسبت درگذشت این هنرمند بزرگ

صدا پیشگی با سرمایه عشق

در گذشته نسلی از دوبلورها را داشتیم که صدایشان برای ما بسیار خاطر‌ساز بود، چرا آن نسل طلایی دوبلورها دیگر تکرار نشدند؟

متأسفانه نسل جدید، آنگنان جدی و عاشقانه که نسل گذشته کار می‌کرد، کار نمی‌کنند و مسائل را سرسری می‌گیرند شاید دلیلش به اقتضای جوانی و وضعیت روزگار باشد وگرنه ضرورت دارد به حرفه دوبله توجه شود و آن را جدی بگیرند.

به نظر شما صدای پیشگی و گویندگی بازنشستگی دارد؟

به‌نظر کار صدا تا زمانی که نفس آدم می‌آید و می‌تواند حرف بزند، ادامه دارد مگر اینکه فرد خسته یا از او سلب علاقه شود. در این حرفه هر چه جلوتر بروید آمادگی و مهارت بیشتری پیدا می‌کنید و اجرای این کار برایتان راحت‌تر و کار کردن هم دلنشین‌تر می‌شود.

چه عواملی موجب دلسردی و سلب علاقه فعالان عرصه صدا می‌شود؟

کمتر اتفاق می‌افتد که صدای پیشگان از این حرفه کنار بروند چون بسیاری از آن‌ها عاشق کارشان هستند. البته عوامل دلسردکننده زیادی وجود دارد ولی کسی که عاشق کارش است، آلوده و آمیخته به این حرفه می‌شود و جریان کار، او را با خودش می‌برد.

شرایط این حرفه از نظر مالی و معیشتی چطور است؟

متأسفانه خوب نیست و این حرفه جذابیت‌های مالی ندارد. کار صدای پیشگی و اجرای رادیویی، جوابگوی معیشت نبوده و درآمدش برای گذران زندگی کارساز نیست. خود من کارهای دیگری از جمله گویندگی و اجرای برنامه‌های خصوصی دارم و دستمزدهای مشخصی می‌گیرم. کار در رادیو هم به‌خاطر عشق و علاقه‌ام است. من معمولاً کارهای رادیویی را قبول می‌کنم چون فضای رادیو از نظر روحی به من نزدیک است.

است. با وجود اینکه عرصه‌های مختلف هنری را تجربه کردم ولی رادیو، خانه اول و آخر من است و از سایر رسانه‌ها برای من اولویت بیشتری دارد.

این روزها در رادیو چه برنامه‌ها دارید؟

برنامه‌های مشخصی را در رادیو فرهنگ و رادیو تهران دارم. برنامه «کتاب‌شب» در رادیو تهران، طولانی‌ترین برنامه در عمر رادیو است و کسی برنامه‌ای حدود ۳۰ ساله را نداشته است. حدود هزار و ۴۰۰ هفته می‌شود که هر هفته خلاصه کتابی را در این برنامه رادیویی می‌خوانم. برای من بخت بزرگی است که از طریق یک برنامه رادیویی، دانه‌ام در جریان کتاب‌های جدید و انتشارات روز بوده‌ام.

در گذشته صدا در آثار تصویری مهم بود مثلاً در ۶۰ فیلم‌ها و سریال‌های ایرانی دوبله می‌شدند، چه شد که دوبله آثار ایرانی کنار گذاشته شد؟

چون صدای سر صحنه متداول شد و پس از این ماجرا، مسئله دوبله کم‌رنگ شد. اساساً وقتی کار سر صحنه و زنده باشد،

هم برای عوامل تولید دلچسب‌تر است و هم برای بینندگان. همیشه به صدا در باز یگری اهمیت داده شده و می‌شود. بسیاری از نقش‌ها را به خاطر صدای خاص یک بازیگر به او پیشنهاد می‌کردند. نقشی که من در «گناه فرشته» می‌کنم هم بیشتر به خاطر صدایم بوده است. پریبیرا نیست که در بسیاری از آثار دیگر هم به صدای بازیگر اهمیت داده شود. بازیگران هم باید روی صدایشان، تمرین و تمرکز کرده و صدایشان را تربیت کنند.

شما عرصه‌های مختلف هنری را تجربه کرده‌اید؛ از صدای پیشگی و گویندگی گرفته تا اجرا و بازیگری، کار کردن در کدام حوزه برایتان عزیزتر است؟

با توجه به تجربه‌های مختلفی که داشتم شخصاً کار در رادیو را بیش از همه دوست دارم. شاید دلیلش این باشد که شروع کارم با رادیو بوده و انس بیشتری با آن دارم، این عرصه کاری از جنس من است به همین دلیل با رادیو صمیمی‌تر هستم.

مردم این روزها کمتر رادیو گوش می‌دهند؟

کسانی که اهل رادیو بوده‌اند همچنان به این رسانه شنیداری، وفادار هستند و رادیو گوش می‌کنند؛ شنوندگان پروپاقرصی که دلمشغولی‌شان رادیو است و به آن اهمیت زیادی می‌دهند.

شما صدای پیشگی نقش‌های مختلفی را برعهده داشته و سابقه بازیگری هم دارید، به نظر شما صدای پیشگی و بازیگری به هم نزدیک هستند؟

به نظر این دو حرفه خیلی به هم نزدیک هستند البته تفاوت‌هایی دارند اما از یک دسته و قماش هستند. برای من فعالیت در بازیگری و صدای پیشگی منافاتی با هم ندارد.

یعنی صدای پیشگی تنها تکیه بر موهبت ذاتی صدای خوب نیست بلکه مهارت در بیان، کنترل لحن و نمایش احساس در بیان، آن را شبیه به بازیگری کرده است؟

همین طور است. من از سال ۴۹ در عرصه صدا مشغول به کار هستم و بیش از پنج دهه کار، علاوه بر اینکه انس و علاقه‌ام به این حرفه را بیشتر کرده، مهارت‌ها و ضرورت‌هایی که این کار لازم دارد را در من تقویت کرده



نمایش احمدی | شعر آیینی در سال‌های اخیر، به‌ویژه در بزنگاه‌های اجتماعی و سیاسی، بیش از گذشته از محدوده مضامین سنتی و مناسبتی فراتر رفته و به عرصه‌ای برای بازتاب دغدغه‌های ملی، هویتی و فرهنگی تبدیل شده است. بسیاری از شاعران و پژوهشگران ادبی معتقدند این گونه ادبی، در مواجهه با تحولات و بحران‌های اجتماعی، ظرفیت‌های تازه‌ای برای همدلی، آگاهی‌بخشی، امیدآفرینی و تقویت پیوند میان هویت دینی و ملی از خود نشان داده است. به مناسبت روز شعر و ادبیات آیینی، با رضا اسماعیلی؛ شاعر، پژوهشگر و از چهره‌های شناخته‌شده ادبیات دینی، درباره جایگاه شعر آیینی در روزگار معاصر، نسبت آن با مسائل اجتماعی، آسیب‌های پیش روی این گونه ادبی و چشم‌انداز آینده آن گفت‌وگو کردیم. اسماعیلی در این گفت‌وگو از ضرورت روزآمدی شعر آیینی، پرهیز از کلیشه و مناسبت‌زدگی، نقش شاعران در ارتقای ذائقه مخاطبان و پیوند میان هویت دینی و ملی سخن می‌گوید.

در روزهای بحران و جنگ، شعر آیینی چه کارکردی پیدا می‌کند که در شرایط عادی کمتر دیده می‌شود؟

با توجه به ضرورت‌های دوران جنگ (جنگ‌های ۱۲ روزه و رمضان) و با توجه به تحولات اجتماعی - سیاسی، شاعران آیینی این واقعیت را پذیرفتند که شعر آیینی باید «روزآمد» شود و مضامین ادبیات آیینی با مسائل روز جامعه پیوند بخورد.

بی‌هیچ تردیدی، جنگ ۱۲ روزه و جنگ رمضان موجب بلوغ و بالندگی شعر دینی و آیینی روزگار ما شد. در این دو جنگ، شعر آیینی از مضمون‌های کلیشه‌ای و تکراری فاصله گرفت و به اقتضای شرایط، کارکردی اجتماعی تر پیدا کرد. در این دوران، شعر آیینی با درک ضرورت‌های زمان جنگ و مطالبات مردمی، پوست‌اندازی کرد و با پرداختن به مضمون‌های ملی - میهنی و حماسی بیش از گذشته لحن و لهجه انقلابی و حماسی پیدا کرد. ما در این دوره افتخار آفرین، شاهد رنسانس و نوزایشی خجسته در شعر دینی و آیینی بودیم.

آیا می‌توان گفت شعر آیینی در این دوره از یک قالب صرفاً مذهبی عبور کرد و به یک زبان مشترک ملی تبدیل شد؟

دوران جنگ ۱۲ روزه و جنگ رمضان را باید عصر بلوغ دینی و ملی شاعران و ذاکران آیینی نامید. عصری که شاعران اصیل آیینی بیش از گذشته به سمت رسالت الهی، انسانی و اجتماعی خود چرخیدند و بنیان شعر خود را بر ستون‌های «وحدت‌آفرینی»، «مقاومت»، «بیداری»، «آگاهی‌بخشی» و «دشمن‌شناسی» نهادند. عصر امیدآفرینی که شاعران با فاصله گرفتن از قرائت ماتمی و مرثیه‌ای صرف و رو آوردن به قرائت حماسی، ملی و معرفتی، جانی تازه در کالبد شعر آیینی دیدند. به گونه‌ای که شعر دینی توانست شانه به شانه مردم در میدان و خیابان حضور پیدا کند و با افتخار به حیات ادبی خود در کنار سایر گونه‌های ادبی ادامه دهد. عصری که شاعران آیینی به عنوان یک «ایرانی مسلمان» و «میهن‌دوست»، «درد‌دین» را با «درک دینی» و «شعور ملی» در آمیختند و به خلق و آفرینش آثاری فاخر و ارجمند پرداختند. از جمله این آثار، نوحه حماسی «بزن که خوب می‌زنی» با صدای مهدی رسولی و شعر علی مقدم بود. این اثر، نشانه یک تحول بنیادین در شعر آیینی ما بود. اصلی‌ترین وجه تمایز شعر علی مقدم با دیگر شعرهای آیینی، تلفیق جسورانه و هنرمندانه «ملیت» با «اسلامیت» و همزیستی جسته آن‌ها در قالب یک اثر هنری و موسیقایی بود؛ پیوند میان هویت ملی و دینی. همچنین ترانه‌ها و نوحه‌های حماسی دیگری همچون: «علاج» و «حسبی‌الله» محسن چاوشی، «باید برخاست» با صدای محسن محمدی پناه، «میدان با تو، خیابان با ما» با صدای حسین طاهری و شعرهای حمید رمی. این آثار و موج همراهی مردم با خالقان آن، شعر آیینی را از پیله رخوت و

زهره کهندل |

بهروز رضوی که به خاطر صدای گرم و گیرایش سال‌ها گویندگی برنامه‌ها و مستندهای رادیویی و تلویزیونی به عهده داشت، پس از سال‌ها فعالیت در عرصه صدای پیشگی در ۲۹ سالگی درگذشت. او از چندی پیش در بخش مراقبت‌های ویژه بیمارستانی در کرج بستری بود و ساعت ۲۳ شامگانه یکشنبه ۲۴ خرداد ماه در همین بیمارستان، دارفانی را وداع گفت. بهروز رضوی از گویندگان قدیمی رادیو بود که سال‌ها با صدای گرم و رسای خود در برنامه‌های مختلف رادیویی، به‌ویژه در حوزه ادبیات و شعر، همراه مخاطبان بوده است.

در روزگاری که صداها بسیارند اما ماندگاری اندک است، زنده‌یاد بهروز رضوی صدایی بود که در جان مردم نشست. پشت آن ظنن دلنشین، سال‌ها انس با ادبیات، دقت در زبان فارسی، احترام به مخاطب و نجابت هنرمندانه نهفته بود. فقدان این هنرمند ارجمند، فقدان بخشی از خاطره جمعی ماست و بی‌تردید یاد و نام آن استاد ارجمند در کنار صداهای اصیل و ماندگار فرهنگ ایران باقی خواهد ماند.

از آثار ماندگار او می‌توان به مستند «در این قطعه از بهشت» اشاره کرد؛ وقتی با صدای محملی می‌گفت: «السلام علیک یا شمس الشموس و یا انیس النفوس المدفونین بارض طوس» و پس از آن قطعه ماندگار «آمدم ای شاه پناهم بده» استاد کریمخانی پخشی می‌شد.

او همچنین «مستند ایران» به کارگردانی زنده‌یاد حمید مجتهدی را از سال‌های دور گویندگی کرده است که یکی از آثار ماندگار در روایت‌گری مستند محسوب می‌شود. رضوی از چهره‌های فرهنگ معاصر ایران به‌شمار می‌رود و سال‌ها در برنامه «کتاب‌شب» به سردبیری محمدباقر رضایی به عنوان گوینده حضور داشت. این هنرمند پیشکسوت بیش از این تجربه‌های در چند فیلم سینمایی و سریال داشته و با اضافه کردن گویندگی ده‌ها کتاب صوتی در سال‌های اخیر، کارنامه‌اش پرپرتر شده است. آنچه در ادامه می‌خوانید بازنشر گفت‌وگوی «قدس» با این صدای پیشه در دی سال ۱۴۰۲ بوده که به بهانه ایفای نقشی در سریال «گناه فرشته» انجام شده بود.